

بررسی اصطلاح «خلیفه الله» در متون عرفانی (قرن دوم تا یازدهم هجری قمری)^۱

مسعود شاورانی^۲

عضو هیئت علمی دانشگاه مذاهب اسلامی، تهران، ایران

چکیده

آموزه «خلیفه الله» در الهیات اسلامی بسیار حائز اهمیت است و مهم‌ترین مبنای تفکر برتری انسان در هستی می‌باشد. با توجه به تأثیر عرفان اسلامی در شکل‌گیری الهیات اسلامی، این پژوهش به دنبال بررسی سیر کاربرد و تطور معانی و مصادیق این عبارت در متون عرفانی است. گردآوری داده‌های این تحقیق به روش کتابخانه‌ای و روش انجام آن، تحلیل محتوای توصیفی متون و آثار عرفانی نخستین تا آثار قرن یازدهم هجری می‌باشد. یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که عبارت «خلیفه الله» در کل آثار قرون دوم و سوم هجری مجموعاً چهار بار به کار رفته است. بعد از آن در قرون چهارم و پنجم هجری بسامد این عبارت در متون عرفانی باز هم اندک است؛ ولی نسبت به گذشته تکرار آن افزایش یافته است. اما از سده ششم و هفتم به بعد مخصوصاً در کتاب‌های با موضوع عرفان نظری این عبارت به تعداد فراوان به کار رفته است. در قرون بعد کاربرد «خلیفه الله» کاملاً نهادینه شده است و مصادق‌های آن تنوع یافته؛ ولی مهم‌ترین مصادق آن، «انسان کامل» بوده است. اما در تمام این قرون، همواره بسیاری از صوفیه به طور صریح و یا غیر مستقیم با کاربرد این عبارت مخالفت و از ذکر آن پرهیز نموده‌اند.

کلیدواژه‌ها

خلیفه الله، متون عرفانی، عارفان، تصوف، انسان کامل.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۶/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۰/۱۴

۲. پست الکترونیک: shavarani@gmail.com

مقدمه

اصطلاح «خلیفة الله» و گونه‌ها و عبارات همسان آن چون: «خلیفة الرحمن»، «خلیفة رب العزة»، «خلیفة رب العالمین»، «خلیفة الحق»، و شکل جمع آن: «خلفاء الله»، «خلفاء الرحمن» و «خلائف الله»؛ و هم‌چنین شکل فارسی آن مانند: «خلیفة خدا»، «خلیفة پروردگار»، «خلیفة کردگار»، «خلیفة حق» و جمع آن مانند: «خلفای خدا» و «خلفای حق»؛ و هم‌چنین شکل مصدری آن یعنی «خلافة»، و علاوه بر این به صورت «خلیفته»، «خلفاته»، «خلیفتنا»، «خلیفتی»، «خلیفة منی» و «خلیفة عنی» در متون عرفانی به کار رفته‌اند و در مجموع به معنای جانشینی خداوند هستند؛ این اصطلاح در قرآن کریم ذکر نشده است و در دوره حیات پیامبر اسلام تا قبل از عصر اموی کاربرد آن بسیار نادر بوده است؛^۱ اما بعد از آغاز دوره اموی به مرور زمان بر کاربرد آن افزوده شد، تا این که از قرن پنجم هجری قمری به بعد به اصطلاح شایعی در ادبیات اسلامی و خصوصا ادبیات عرفانی تبدیل گشت.^۲

قرن دوم و سوم: حارث محاسبی در *الوصایا* تنها یک بار در توضیح علامات علمای صالح «خلیفة الله» را به کار برده است؛^۳ در *ریاضة النفس* حکیم ترمذی گوید آدم خلیفة الله است.^۴ وی در *ختم الاولیاء* کلامی منسوب به امام علی خطاب به کمیل بن زیاد نخعی نقل می‌کند که به عالمان، اهل یقین، صالحین و حجت‌های خدا بر روی زمین می‌فرماید «خلفاء الله»؛^۵ در *دیوان منصور حلاج* فقط یکبار اصطلاح «خلیفة حق» در اشاره به آدم ذکر شده است.^۶ در قرن سوم استفاده از این اصطلاح نادر است و عرفاء و صوفیه از کاربرد آن پرهیز داشته‌اند و معاذ رازی، تستری و جنید بغدادی در آثار خود از کاربرد این عبارات پرهیز

۱. Shavarani, Masoud, "Überprüfung der Lehre des Gottes Kalifen in Anbetracht des Umweltschutzes", *Spektrum Iran*, 32, 2-2019, pp.161-162.

۲. شاورانی، مسعود، «مروری بر آموزه خلیفة الله در اسلام»، *پژوهشنامه ادیان*، سال ۱۳، شماره ۲۵، ۱۳۹۸ش، صص ۱۲۳ و ۱۲۴.

۳. محاسبی، حارث، *النصائح (الوصایا)*، محقق عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۹۸۶م، صص ۷۲ و ۲۱۴.

۴. حکیم ترمذی، *ریاضة النفس*، محقق ابراهیم شمس الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ ق، ص ۷۲.

۵. همو، *ختم الاولیاء*، محقق عثمان اسماعیل یحیی، بیروت، مهد الآداب الشرقیة، ۱۴۲۲ ق، ص ۴۳۰.

۶. حلاج، منصور، *دیوان*، بمبئی، چاپخانه علوی، ۱۳۰۵ق، ص ۱۴۸.

کرده‌اند.

قرن چهارم و پنجم: در کتاب *قوت القلوب ابوطالب مکی* فقط یک بار درباره سلیمان نبی گفته شده است «خليفة الله»؛^۱ در *المقدمة فی التصوف سلمی* در دعای نقل شده از ابوالحسن شاذلی ذکر شده آدم «خليفة الله» است.^۲ ابونعیم اصفهانی در مورد داود نبی و ابوبکر خلیفه اول گوید «خليفة الله».^۳ او نقل کرد که محبین خلفاء الله هستند^۴ و هم‌چنین عبارت «خُلَفَاءُ اللَّهِ» در کلام منسوب به امام علی به کمیل را تکرار نمود.^۵ قشیری فقط یکبار درباره آدم گوید «خليفة الله»؛^۶ ابوحامد غزالی حدیثی منسوب به پیامبر نقل می‌کند که آمر به معروف و ناهی از منکر «خليفة الله» است.^۷ او گوید تعلیم علم خلافة الله است^۸ و آدمی به واسطه نفخه روح ربّانی‌اش مخصوص و مستحق خلافة الله شد.^۹ وی از خداوند نقل می‌کند که به داود فرمود: خلیفتی^{۱۰} و درباره داود نوشت «خليفة الرحمن»،^{۱۱} هم‌چنین کلام منسوب به امام علی خطاب به کمیل را تکرار کرد.^{۱۲} اما در همین دوره زمانی در آثار

۱. مکی، ابوطالب، *قوت القلوب فی معاملة المحبوب*، محقق باسل عیون السود، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص ۱۰۷.
۲. سلمی، ابوعبدالرحمن محمد، *مقدمة فی التصوف*، محقق عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق، صص ۱۰۱ و ۱۴۲.
۳. ابونعیم اصفهانی، *حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء*، محقق محمد رضا شفیعی کدکنی، قاهره، دارام القراء للطباعة و النشر، ج ۷، ص ۴۸؛ ج ۱۰، ص ۱۹۴؛ ج ۴، ص ۲۹۵.
۴. همان، ج ۱۰، صص ۱۶۷ و ۳۱۸.
۵. همان، ج ۱، ص ۸۰.
۶. عبدالکریم قشیری، *لطائف الاشارات*، محقق ابراهیم بسیونی، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۱م، ج ۱، ص ۸۰.
۷. غزالی، *مکاشفة القلوب المقرب إلى علام الغیوب*، محقق عبد المجید طعمه حلبی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق، ص ۶۵.
۸. همو، *احیاء علوم الدین*، محقق عبد الرحیم بن حسین حافظ عراقی، بیروت، دارالکتب العربی، ج ۱، ص ۲۳.
۹. همان، ج ۱۴، ص ۶۱.
۱۰. همان، ج ۷، ص ۸۰.
۱۱. همان، ج ۹، ص ۱۹۲.
۱۲. همان، ج ۱۴، ص ۱۱۷.

نقری، سراج، کلابادی، بکری، خرکوشی، مستملی بخاری، ابوالحسن دیلمی، هجویری، خواجه عبدالله انصاری، قلانسی، قیسرانی و احمد غزالی هیچ کدام از این عبارات ذکر نشده است؛ و همچنین در آثار دیگر ابوطالب مکی، سلمی و قشیری هیچ ذکری از این کلمات نیامده است. استفاده از عبارات فوق در قرن چهارم و پنجم نسبت به قبل کمی بیشتر شده است و نشان از رواج تدریجی این عبارات در متون عرفانی این دوره است.

قرن ششم و هفتم: سمعانی درباره آدم و داود نوشت «خلیفه خدا».^۱ سنایی یک بار درباره آدم گفت «خلیفه خدا»؛^۲ در مقدمه *أسرار التوحید* خطاب به خلیفه وقت عباسی «خلیفه الله» ذکر شده است.^۳ میبیدی نیز حدیث منسوب به پیامبر در باب امر به معروف را نقل می‌کند؛^۴ ولی او تأکید دارد که بعضی از علما کراحت داشته‌اند که عبارت «خلیفه الله» را به کار برند؛ زیرا در قرآن نیامده است؛ او نقل کند که مردی در باب به کار بردن عنوان «خلیفه الله» به عبدالملک بن مروان تذکر داد و به او گفت که باید بگوید «خلیفه المتقدمین»؛^۵ اما او خلفاء الله را سه نفر نام می‌برد: آدم، داود و ابوبکر.^۶ عبدالقادر گیلانی در اشاره به اولیاء و مقربین^۷ و قطب^۸، هم‌چنین درباره افراد معدود و الامقامی که در راه مجاهدت و تحمل سختی هستند گوید خلیفه الله.^۹ در جای دیگر معنای خلفاء الله را در

۱. احمد سمعانی، *روح الأرواح فی شرح أسماء الملك الفتحاح*، محقق نجیب مایل هروی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش، صص ۴۰۶ و ۲۵۱.
۲. سنایی، ابوالمجد مجدود بن آدم، *حديقة الحقيقة و شريعة الطريقة*، محقق دکتر مدرس رضوی، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۴۶۷.
۳. محمدبن منور، *أسرار التوحید فی مقامات أبی سعید*، محقق الیاس میرزا بوراغانسکی، سن پترزبورگ، ۱۸۹۹م، ص ۹.
۴. میبیدی، *كشف الأسرار و عادة الأبرار*، محقق علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۷۱ش، ج ۲، ص ۲۳۴.
۵. همان، ج ۸، صص ۳۳۸ و ۳۳۹.
۶. همان، ج ۶، ص ۵۶۱.
۷. گیلانی، عبدالقادر، *سرالأسرار و مظهر الأنوار فیما یحتاج إليه الأبرار*، محقق احمد فرید المزیذی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق، صص ۲۷۴ و ۲۷۵.
۸. همو، *الفتح الربانی و الفیض الرحمانی*، قاهرة، مكتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۶ق، ص ۱۹۷.
۹. همان، ص ۲۸۶.

اشاره به اولیاء و ابدال به کار می‌برد^۱ و هم‌چنین می‌گوید مردان حق و کاملان و مقربان حق تعالی خلفاء الله هستند^۲ و درباره ابدال گوید: خلفاء الرحمن.^۳ روزبهان بقلی گوید آدم^۴، انسان صابر^۵ و فرد مصداق آیه ۳۳ سوره فصلت^۶ و هم‌چنین واصل مقرب، امر به معروف^۷، عارف^۸، پیر^۹، غوث^{۱۰} و نوع انسان خليفة الله هستند؛^{۱۱} و معتقد است که اگر انسان‌ها بر مخالفت با نفسشان، دفع شهواتشان و لذت‌های دنیایی‌شان، صبر کنند خلفاء الله می‌گردند.^{۱۲} هم‌چنین صدیقان را خلیفه حق نام می‌برد.^{۱۳} عطار فقط یک بار درباره منصور عباسی نقل کرده است «خلیفه خدا»؛^{۱۴} ابوحفص سهروردی فقط یک بار گفت که مقام آدم

۱. همان، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۱۵۷.

۳. همو، سرالأسرار ومظهر الأنوار فيما يحتاج إليه الأبرار، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة،

۱۴۲۸ق، ص ۷۴؛ فتوح الغیب، محقق عبد العلیم محمد الدریش، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۸ق، ص ۱۰۱.

۴. بقلی، روزبهان، عبر العاشقین، محقق هانری کرین و محمد معین، تهران، انتشارات منوچهری، ۱۳۶۶ش،

ص ۳؛ تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۸م،

ج ۱، ص ۵۱۸ و ج ۲، ص ۳۷۰.

۵. همان، ج ۱، ص ۴۵۶.

۶. همان، ج ۳، ص ۲۴۹.

۷. همو، مشرب الأرواح، محقق عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت، دارالکتب العلمیة،

۱۴۲۶ق، ص ۲۲۷.

۸. همان، ص ۲۷۹.

۹. همو، رساله القدس، محقق جواد نوربخش، تهران، انتشارات یلدا قلم، ۱۳۸۱ش، ص ۹۹.

۱۰. همو، المصباح فی مکاشفه بعث الأرواح، محقق عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی الشاذلی، بیروت، دارالکتب

العلمیة، ۱۴۲۸ق، ص ۷۷.

۱۱. همو، تقسیم الخواطر، محقق احمد فرید المزیدی، قاهره، دارالآفاق العربیة، ۱۴۲۸ق، ص ۱۳۹.

۱۲. همو، تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۸م،

ج ۱، ص ۴۵۶.

۱۳. همو، شرح شطحیات، محقق هانری کرین، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۷۴ش، ص ۳۶۸.

۱۴. عطار، فریدالدین، تذکره الأولیاء، محقق رینولد آلین نیکلسون، لیدن، مطبعه لیدن، ۱۹۰۵م، ج ۱، ص ۲۰۴.

خلافة الله است.^۱ شیخ اشراق بیان کرد که «نفس» و «حکیم الهی» خليفة الله هستند و بر «خليفة خدا» رحمت فرستاد.^۲ ابن فارض یک بار در دیوان خود عبارت «لأرض خلیفتی» به کار برد.^۳ ابن عربی به صورت خاص می گوید آدم، داود، پیامبر اسلام (ص) و ابوبکر خليفة الله هستند.^۴ او درباره آدم با تأکید گوید: «خليفة عن الله في أرضه لا خليفة عن سلف».^۵ به طور کلی می گوید انسان خليفة الله است^۶ و هم چنین درباره خليفة الله و سرورش غیبی که در نهادش می باشد، سخن گفت^۷ و نیز در توضیح مقام فتوت و فتی آن را به کار برد.^۸ جای دیگر می گوید کسی که در میان ما حکم را مستقیماً از الله دریافت می کند، او خليفة الله است.^۹ در بیتی اصطلاح خليفة الله را نقل کرد^{۱۰} و در گفت و گویی تمثیلی آن را به کار برد.^{۱۱} در جای دیگر بیان می کند که به طور عام پیامبران و ائمه دین خلفاء الله هستند^{۱۲} و

۱. سهروردی، ابو حفص، عوارف المعارف؛ محقق احمد عبد الرحیم السایح و توفیق علی وهبة، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۷ ق، ج ۱، ص ۲۲۸.
۲. سهروردی، شیخ اشراق، مجموعه مصنفات، محقق هانری کربن و سید حسین نصر و نجفقلی حبیبی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۷۵ ش، ج ۳، ص ۱۹۴؛ ج ۴، ص ۹۸؛ ج ۲، ص ۱۱ و ۱۲.
۳. دیوان ابن فارض، محقق مهدی محمد ناصر الدین، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۱۰ ق، ص ۶۰.
۴. ابن عربی، محی الدین، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، بیروت، دارالصادر، ج ۱، ص ۱۲۴؛ ج ۳، ص ۲۷۸ و ۴۰۰؛ همو، فصوص الحکم، قاهرة، دار احیاء الکتب العربية، ۱۹۴۶ م، ج ۱، ص ۱۶۲ و ۱۶۳؛ همو، مجموعه رسائل ابن عربی (ثلاث مجلدات)، بیروت، دارالمحجة البيضاء، ۱۴۲۱ ق، ج ۱، ص ۹۴؛ همو، مجموعه رسائل ابن عربی (مجلدان)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ ق، ج ۱، ص ۱۲؛ ابن عربی، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ج ۳، ص ۱۶.
۵. همان، ج ۳، ص ۴۰۰.
۶. همان، ج ۱، ص ۱۱۸.
۷. همو، ترجمان الاشواق، محقق رینولد آلین نیکلسون، تهران، انتشارات روزنه، ۱۳۷۸ ش، ص ۱۱۵.
۸. همو، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ج ۱، ص ۲۴۲.
۹. همو، فصوص الحکم، ج ۱، ص ۱۶۳.
۱۰. همو، محاضرة الأبرار و مسامرة الأنحیاء، محقق محمد نمری، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۲ ق، ج ۱، ص ۲۱۸.
۱۱. همو، مجموعه رسائل ابن عربی (مجلدان)، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ ق، ج ۱، ص ۵.
۱۲. همان، ص ۱۹؛ الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ج ۴، ص ۳۱۹؛ ج ۳، ص ۳۳۷.

خلفاء الله در مقام امامت و تصرف در عالم هستند.^۱ در توضیح «أولئك» در آیه ۱۰۴ سوره آل عمران می‌گوید ایشان خلفاء الله فی أرضه هستند؛^۲ هم‌چنین گفت رُسل «خلائف عن الله» هستند.^۳ او ذکر کرد که انسان کامل «خليفة له تعالى» و «خليفة الحق» است^۴ و مقام قطب جایگاه خليفة الحق است^۵ و گوید عبد عارف خليفة حق^۶ و به منزله «عرش و خليفة» خداست و خلفاء الحق در میان بندگان امر و نهی و حکم می‌نمایند.^۷ هم‌چنین در اشعاری عبارت‌های «أنت خلیفتی» و «هذا خلیفتنا»^۸ و علاوه بر این اصطلاح «خليفة الرحمن» را به کار می‌برد.^۹ نجم‌الدین دایه معتقد است که مقام خلافت مختص به انسان است و انسان خليفة الله می‌باشد و زمانی که نور حق تعالی ظلمت انانیت وجود بشر را فانی کند، آنان خلفاء الله می‌گردند و وجودشان نیز قائم به خلافت وجود حق است.^{۱۰} وی ادامه می‌دهد که وقتی عبد با صفت عدل متجلی می‌شود، خليفة الله می‌شود.^{۱۱} دایه معتقد است که روح خليفة الله است و همه ارواح نیز از روح پیامبر اسلام خلق شده‌اند^{۱۲} و محمد(ص) «خليفة

۱. همان، ج ۴، ص ۲۶.

۲. همو، تفسیر ابن عربی (تأویلات عبدالرزاق)، محقق سمیر مصطفی ریاب، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۱۶.

۳. همو، فصوص الحکم، ج ۱، ص ۱۶۲.

۴. همو، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ج ۳، صص ۳۶۳ و ۲۸۰.

۵. همو، ترجمه و شرح (ترجمان الاشواق)، محقق رینولد نیکلسون، ترجمه گل بابا سعیدی، تهران، روزنه، ۱۳۷۸ش، ص ۲۱۵.

۶. همو، ذخائر الاعلاق شرح ترجمان الاشواق، محقق خلیل عمران المنصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق، ص ۹۸.

۷. همو، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ج ۱، صص ۷۵۷ و ۷۵۰.

۸. همو، دیوان، محقق احمد حسن بسج، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق، صص ۲۱۹ و ۳۰۲.

۹. همان، ص ۲۰۱؛ مجموعه رسائل ابن عربی (مجلدان)، ۱۶؛ فصوص الحکم، ج ۱، ص ۸۴؛ الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، ج ۱، ص ۵۹۶.

۱۰. رازی دایه، نجم‌الدین، منارات السائرین الی حضرة الله و مقامات الطائرین، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق، صص ۹۹-۱۰۱.

۱۱. همان، ص ۱۰۵.

۱۲. همان، صص ۱۷۱ و ۱۷۲.

الله تشرفا و تکرما به» است.^۱ جای دیگر گفت پادشاهی خلافت خدا و خلافت حق است.^۲ ابن سودکین فقط یک بار در مورد امام مهدی گفت او خلیفة الله است.^۳ مؤیدالدین جندی گوید آدم خلیفة الله است^۴ و روح کامل عیسی (ع) مظهر اسم «الله» و خلیفة الله است.^۵ علاوه بر این انسان کامل در هر عصری قطب الأقطاب و حامل امانت الهی و خلیفة الله است^۶ و باز اصطلاح خلیفة الله را در کنار کلمه قطب ذکر می‌کند.^۷ وی می‌گوید زمانی که عبد کامل در آن زمان تبدیل به ربّ می‌شود، زمانی است که او خلافت از الله یابد و او جامع بین عبودیت عظمی و ربوبیت کبری می‌شود و خلیفه بر صورت مستخلف خود می‌گردد، و صورتی که خلیفه بر اساس آن خلق شده، صورت ربوبیت است و او خلیفة الله می‌شود، و جامع بین خلافت و استخلاف می‌شود و آن مقام خله عظمی و ظاهر خلافت محمدیه است^۸ و خلفاء الله را در اشاره به کاملان و اولیاء به کار برده است.^۹ در دیوان علی بن عبد الله نمری (ابوالحسن ششتری) فقط یک بار درباره انسان، خلیفة الحق آمده است.^{۱۰} ابن سبعین گوید وقتی صفات حق در عبد ظاهر شد خلیفة او می‌گردد^{۱۱} و جای دیگر عبارت «خلیفة الله الحق الثابت» را ذکر می‌کند.^{۱۲} صدرالدین قونوی بیان کرد که انسان کامل

۱. همان، صص ۱۸۲ و ۱۸۳.

۲. رازی دایه، نجم الدین، مرصادالعباد، بی‌نا، تهران، ۱۳۲۲ق، صص ۲۰۷ و ۲۱۵.

۳. مجهول ابن سودکین، شرح التجلیات الإلهیه، محقق محمد عبد الکریم نمری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۴م، ص ۵۶.

۴. جندی، مؤید الدین، شرح فصوص الحکم، محقق سید جلال الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ق، ص ۱۸۱.

۵. همان، صص ۵۲۲-۵۲۴.

۶. همان، ص ۸۰.

۷. همان، ص ۵۷۶.

۸. همان، صص ۳۹۳ و ۳۹۴.

۹. همان، ص ۵۸۴.

۱۰. نمری، علی (ابوالحسن الششتری)، دیوان، محقق محمد العدلونی و سعید ابو الفیوض، بیروت، دار الثقافة، ۲۰۰۸م، ص ۴۵.

۱۱. ابن سبعین، عبدالحق، رسائل، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق، ص ۱۵۲.

۱۲. همان، ص ۴۴۶.

در هر عصری خليفة الله است^۱ و حدیثی منسوب به پیامبر را نقل کرد که مهدی خليفة الله است.^۲ هم‌چنین گوید هر رسولی که با شمشیر مبعوث شد او «خليفة من خلفاء الحق» است^۳ و «خليفة الحق» را برای انسان کامل به کار برد.^۴ مولوی در مثنوی در مصراع‌هایی چنین می‌سراید: «نائب رحمن خليفة کردگار»^۵ و هم‌چنین درباره انسان کامل گوید «خليفة حق»^۶. دسوقی گوید امام امت «خليفة رب العزه» است.^۷ عزیزالدین نسفی گوید عقل اول «خليفة خدا» در عالم کبیر و عقل انسان «خليفة خدا» در عالم صغیر است؛ هم‌چنین رسول و نبی خليفة خداست.^۸ انصاری اسیدی نوشته است که انسان کامل خليفة الله است.^۹ تلمسانی گوید شیخ، انسان کامل و قطب الاقطاب، امام مهدی و اویس قرنی خليفة الله هستند^{۱۰} و در توصیف کسی که نَسَب او به آدم صحیح باشد و میراث پدرش آدم را استحقاق یابد، گوید: «خليفة ربه»^{۱۱}. عبدالعزیز درینی گوید آدم خليفة الله است.^۱ سعیدالدین

۱. قونوی، صدرالدین، فکوک، بر اساس نسخه خطی ۷۲۷ کتابخانه یوسف آغا قونیه، ص ۱۸۰.

۲. همان، ص ۱۹۸.

۳. همان، ص ۱۹۹.

۴. همو، مفتاح الغیب (مصباح الأنس)، محقق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۰م، ص ۵۰.

۵. مولانا، جلال الدین، مثنوی معنوی، محقق توفیق سبحانی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۳ش، ص ۱۱۰.

۶. همان، صص ۲۹۸ و ۶۴۲.

۷. دسوقی، ابراهیم، الجوهرة المضیئة فی سلوک الطالب و نصح البریة، محقق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۵۶.

۸. نسفی، عزیزالدین، زیة الحقائق، محقق حق وردی ناصری، تهران، انتشارات طهوری، ۱۳۸۱ش، صص ۹۸ و ۹۹؛ ۱۰۰؛ کشف الحقائق، محقق احمد مهدوی دامغانی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش، ص ۱۵.

۹. انصاری اسیدی، عبد الرحمن، مشارق أنوار القلوب و مفتاح أسرار الغیوب، محقق عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ص ۹۳.

۱۰. غفیف الدین، تلمسانی، شرح منازل السائرین، محقق عبدالحفیظ منصور، قم، بیدار، ۱۳۷۱ش، ج ۱، ص ۱۲۱؛ شرح منازل السائرین، ج ۲، ص ۳۴۰؛ شرح مواقف النفری، محقق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق، ص ۴۲۳؛ شرح مواقف النفری، ص ۵۲؛ شرح مواقف النفری، صص ۶۴ و ۶۷.

۱۱. همان، ص ۴۴.

سعیدالدین فرغانی درباره آدم مصراع ابن فارض را تکرار کرد: «و لم ترض إخلادی لأرض خلیفتی»؛^۲ وی باز هم عبارت «أرض خلیفتی» را درباره آدم به کار برده است؛^۳ و نقل کند که خداوند درباره آدم گوید: «خلیفتی»^۴ و هم چنین گوید اوتاد همه شان خلفاء الحق هستند.^۵ در قرن ششم و هفتم استفاده از عبارت «خلیفه الله» بسیار رواج یافته است، به ویژه در متون عرفان نظری و نقطه اوج آن در آثار ابن عربی است. اما در همین دوره زمانی در آثار عین القضات همدانی، احمد جام، ابوسعید ابوالخیر، حسین بن نصر (ابن خمیس موصلی)، احمد رفاعی، عمار بدلیسی، دیلمی، تاج الدین طوسی، ژنده پیل غزنوی، روزبهان ثانی، احمد بونی، بهاء الدین محمد بلخی، ابویعقوب تادلی (ابن زیات)، اوحدالدین کرمانی، ترمذی، فخرالدین عراقی، محمد رازی، محمد مزالی، فخر الدین عراقی و حسن پلاسی شیرازی و در کتاب‌های مکاتیب سنایی، السفینة القادرية گیلانی، و سایر آثار عطار و کتاب‌های دیگر نسفی هیچ کدام از عبارات فوق ذکر نشده است. عدم ذکر این عبارات در آثار فوق می‌تواند دلالت بر احتیاط و اکراه این نویسندگان از کاربرد این عبارات باشد.

قرن هشتم و نهم: احمد سکندری در باب انسان گوید خلیفه الله.^۶ سلطان ولد بیان کرد که آدم خلیفه خداست^۷ و بنده مومن خلیفه الله است.^۸ نویسندگان رسائل عوارف

۱. درینی، عبدالعزیز، طهارة القلوب و الخضوع لعلام الغیوب، محقق عاصم ابراهیم الکیالی الحسینی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق، ص ۲۱۵.
۲. فرغانی، سعیدالدین، مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض، محقق جلال الدین آشتیانی، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش، ص ۴۹۸.
۳. همو، منتهی المدارک فی شرح تائیه ابن فارض، محقق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق، ج ۲، ص ۴۶.
۴. همان، ج ۱، ص ۱۰۰؛ مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض، ص ۱۶۳.
۵. همو، منتهی المدارک فی شرح تائیه ابن فارض، ج ۲، ص ۷۸.
۶. سکندری، احمد، اللطائف الإلهیة فی شرح مختارات من الحکم العطانیة، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق، صص ۱۶ و ۹۰.
۷. سلطان ولد، بهاء الدین، انتہانامه، محقق محمدعلی خزانه دار، تهران، روزنه مکان، ۱۳۷۶ش، ص ۲۴۲.
۸. همان، ص ۲۶۴.

المعارف یکبار گفتند که روح خليفة الله است.^۱ عبدالرزاق کاشانی گوید که عیسی (ع) خليفة الله است^۲ و بیان کند که نوع انسان که عالم صغیر است خليفة الله فی الأرض است و انسان کبیر خليفة الله فی السماء و الأرض است^۳ و همچنین نفس انسانی خليفة الله است،^۴ و همین طور هنگامی که صفات و اسماء الهی در روح انسانی تجلی کند او خليفة الله می شود^۵ و درباره انسان کامل اصطلاح خليفة الله را به کار برد.^۶ داود را خلیفه حق نام برد.^۷ در مورد اهل بقاء و فناء گوید که آنان خلفاء الحق هستند.^۸ عبارت «لأرض خلیفتی» ابن فارض را نقل کرد^۹ و در مطلب دیگری در باب «توحید» گفت: «فکیف ینکر بین المخلف و خلیفته المخلوق علی صورة صفاته و أسمائه و أخلاقه».^{۱۰} نویسندگان النور/الأبهر، سلطان مسلمین و امام عالمین زمان خود را خليفة الله خواندند.^{۱۱} یحیی باخرزی محمد (ص) را خليفة الله خواند^{۱۲} و همچنین گوید آدمی خليفة الله است.^{۱۳} افلاکی حسام الدین چلبی را خليفة الله

۱. مجموعه رسائل عوارف المعارف، گروهی از نویسندگان، محقق علی اکبر نوری زاده، شیراز، کتابخانه احمدی شیراز مکان، ۱۳۶۳ش، ص ۲۷۱.
۲. کاشانی، عبد الرزاق، شرح فصوص الحکم، قم، انتشارات بیدارمکان، ۱۳۷۰ش، ص ۲۰۹.
۳. همو، کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق، صص ۲۱ و ۲۲.
۴. همان، ص ۱۷۸.
۵. همان، ص ۲۰۴.
۶. همو، لطائف الأعلام، سایح/وهبة/نجم، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۶ق، ج ۲، صص ۳۷۴ و ۵۸۹ و ۶۰۹؛ شرح فصوص الحکم، ص ۲۷.
۷. همو، مجموعه رسائل و مصنفات عبدالرزاق کاشانی، محقق مجید هادی زاده، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش، ص ۳۵۵.
۸. همو، شرح منازل السائرین، محقق محسن بیدارفر، قم، انتشارات بیدار، ۱۳۸۵ش، ص ۷۹۱.
۹. همو، کشف الوجوه الغر لمعانی نظم الدر، ص ۱۷۷.
۱۰. همان، ص ۱۱۱.
۱۱. گروهی از نویسندگان، النور الأبهر فی الدفاع عن الشیخ الأكبر، احمد فرید المزیدی، قاهرة، دارالذکر للنشر و التوزیع، ۱۴۲۷ق، صص ۳۳۱ و ۳۵۴ و ۳۶۹.
۱۲. باخرزی، یحیی، أوراد الأحاب و فصوص الأدب، محقق ایرج افشار، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش، ص ۳۸.
۱۳. همان، ص ۲۴۹.

خواند. ^۱ قیصری گفت انسان کامل خلیفة الله است ^۲ و بیان نمود که روح محمدی ^۳ و حقیقة محمدیه، خلیفة الله است. ^۴ هم چنین اظهار کرد نور محمدی و حقیقت محمدی خلیفة رب الأرباب است ^۵ و عبارت «لأرض خلیفتی» ابن فارض را تکرار کرد. ^۶ یافعی عبارت / حیات علوم الدین را تکرار کرد و نوشت: «داود خلیفة الرحمن» است. ^۷ سید علی همدانی گفت آدم خلیفة الله است. ^۸ سپهسالار نوشت خضر خلیفة الله است. ^۹ محمود بن عثمان معتقد بود که یاری دهنده مظلوم شاید «خلیفة الله» گردد. ^{۱۰} سید حیدر آملی بیان کرد که امام علی خلیفة الله است ^{۱۱} و خطبه افتخاریه منسوب به او را روایت کند که فرمود: «أنا خلیفة الله» ^{۱۲} هم چنین گفت امام مهدی خلیفة الله است ^{۱۳} و مهدی خلیفة الله أعظم و قطب است. ^۱ بیان

۱. افلاکی، احمد، مناقب العارفين، آنکارا، بی نا، ۱۹۵۹م، ج ۱، صص ۶ و ۴۳۰؛ ج ۲، ص ۷۳۹.
۲. قیصری، داود، شرح فصوص الحکم، محقق سید جلال الدین آشتیانی، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۵ش، مقدمه قیصری، ص ۲۴.
۳. همو، رسائل، محقق سید جلال الدین آشتیانی، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ۱۳۸۱ش، صص ۳۷ و ۳۸.
۴. همو، شرح فصوص الحکم، ص ۱۳۱.
۵. همو، شرح القیصری علی تائیه ابن الفارض الکبری، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق، ص ۱۶۸.
۶. همان، ص ۱۱۷.
۷. یافعی، عبدالله، روض الریاحین فی حکایات الصالحین، قاهره، مکتبه زهران، ۲۰۰۴م، ص ۱۶۸.
۸. همدانی، سیدعلی، حل فصوص الحکم (شرح فصوص الحکم پارسا)، نسخه خطی بر اساس نسخه ۲۷۹۴ کتابخانه شهید علی پاشا استانبول، ص ۵۱۵.
۹. سپهسالار، فریدون، زندگینامه مولانا جلال الدین مولوی، محقق سعید نفیسی، تهران، انتشارات اقبال، ۱۳۷۸، ج ۱، ص ۲۳.
۱۰. محمود بن عثمان، مفتاح الهدایة و مصباح العنایة، محقق منوچهر مظفریان، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۸.
۱۱. آملی، سیدحیدر، تفسیر المحيط الأعظم، محقق محسن موسوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۴۲۹.
۱۲. همو، المقدمات من کتاب نص النصوص، تهران، انستیتو ایران و فرانسه پژوهشهای علمی در ایران، ۱۳۵۲ش، ص ۲۰۳.
۱۳. همان، ص ۲۴۵.

نمود که کلمات قطب یا معصوم و امام مترادف هستند و او خليفة الله است.^۲ وی می‌گوید روح جزئی انسانی خليفة الله در بدن است، و روح کلی انسانی خليفة الله در عالم است.^۳ انسان و نوع بشر خليفة الله فی الأرض و انسان كبير خليفة الله در آسمان و زمین است.^۴ در بحث از عماء و حروف و اسماء و تعینات حق تعالی بیان می‌کند که حرف باء خليفة الله است^۵ و روح اعظم که اولین چیزی است که از حق سبحانه صادر شد، او خليفة الله الأكبر است^۶ و در جای دیگر گوید اولین موجودی که توسط خداوند خلق شده است، نام‌های مختلفی دارد: عقل اول، حضرت واحدیت، حضرت الوهیت، آدم، جبرئیل، روح القدس، نور، هیولی، جوهر، هباء، عرش، و خليفة الله و القلم الأعلى^۷ و انسان کامل مسمی به انسان كبير حقیقت این عقل اول است و آن‌ها «خلفاء الله» نامیده می‌شوند^۸ و جای دیگر گوید انبیاء و اولیاء خلفاء الله هستند.^۹ و به طور کلی گفت «أما الإخوان فکالأنبياء و الرسل و الأولیاء و الأوصیاء و أولوا العزم من الرسل و الأئمة الراشدين و خلفاء الله فی الأرضین و الصحابة و التابعین رضوان الله علیهم أجمعین».^{۱۰} هم‌چنین گوید ائمه معصومین خلفاء الله هستند^{۱۱} و در توضیحی درباره امام می‌گوید خلفاء الله هستند.^۱ در مقدمه کتابش این

۱. آملی، سید حیدر، أنوار الحقیقة و أطوار الطریقة و أسرار الشریعة، محسن موسوی، قم، نورعلی‌نور، ۱۳۸۲ش، ص ۳۷۹؛ تفسیرالمحیط الأعظم، ج ۳، ص ۳۴۴.
۲. همو، جامع الأسرار و منبع الأنوار، تهران، علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸ش، ص ۲۲۳.
۳. همو، تفسیر المحیط الأعظم، ج ۳، صص ۱۴۷ و ۱۴۸؛ أنوار الحقیقة و أطوار الطریقة و أسرار الشریعة، صص ۱۷۳ و ۱۷۴.
۴. همان، ص ۲۷۹؛ تفسیر المحیط الأعظم، ج ۳، ص ۲۵۱؛ ج ۵، ص ۱۰۷؛ ج ۶، ص ۶۴.
۵. همان، ج ۲، صص ۳۷۸ و ۳۷۹.
۶. همان، ج ۶، صص ۶۱ و ۶۲.
۷. همو، نقد التقود فی معرفة الوجود (جامع الأسرار)، هانری کرین، تهران، علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸ش، ص ۶۸۸.
۸. همو، جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۱۷۹.
۹. همو، أنوار الحقیقة و أطوار الطریقة و أسرار الشریعة، صص ۷ و ۸.
۱۰. همان، ص ۴۶۵ و ۴۶۶؛ تفسیر المحیط الأعظم، ج ۴، ص ۶۸.
۱۱. همو، جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۹.

عبارت را ذکر می‌کند «خلفاء الله العظام و أنبيائه الكرام»^۲ و جمله امام علی خطاب به کمیل بن زیاد را تکرار می‌کند.^۳ هم‌چنین گوید انسان زمانی که کامل شد استحقاق خليفة الله را خواهد یافت.^۴ جای دیگر گوید خليفة الله فقط مخصوص أنبياء، أولياء و معصومين است.^۵ به امام علی می‌گوید: قطب الاقطاب و خليفة ربّ الأرباب^۶ و به آدم گوید «خليفة الله».^۷ ابراهیم نفزی کلامی را نقل کند که در حلیة الأولياء نیز آمده بود: «أن المحبين خلفاء الله».^۸ أطعانی بسطامی عبارت منسوب به امام علی خطاب به کمیل را تکرار کرد^۹ و در ذکر مناقب امام أبوسعید حسن تابعی بصری در نقل قولی در مورد یزید بن عبد الملک گفته می‌شود که او خليفة الله است.^{۱۰} جیلی گوید داود^{۱۱} و قطب^{۱۲} و نوع انسان خليفة الله هستند.^{۱۳} در اشاره به انسان کامل و نبی می‌گوید خلفاء الله.^{۱۴} هم‌چنین گوید ولی، خليفة الحق است^۱ و

۱. همو، تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۴۲۹.

۲. همو، المقدمات من کتاب نص النصوص، ص ۴.

۳. همان، ص ۲۶۵؛ تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ۴۹۰؛ ج ۴، ص ۱۸۲؛ جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۳۲؛ أنوار الحقيقة و أطوار الطريقة و أسرار الشريعة، ص ۶۰۶.

۴. همان، صص ۴۹۱ و ۴۹۶.

۵. همو، جامع الأسرار و منبع الأنوار، ص ۶۲.

۶. همو، المقدمات من کتاب نص النصوص، ص ۴۱.

۷. همو، تفسیر المحيط الأعظم، ج ۱، ص ۴۱۹ و ج ۲، ص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۸. نفزی، ابراهیم، غیث المواهب العلیة فی شرح المحکم العنانية، محقق عبد الجلیل عبد السلام، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۲۶۳.

۹. أطعانی بسطامی، محمد، روضة الحبور و معدن السرور فی مناقب الجنید البغدادی وأبی یزید طیفور، احمد فريد المزیدي، قاهرة، داره الكرز للنشر و التوزيع، ص ۹۳.

۱۰. همان، ص ۱۵۱.

۱۱. جیلی، عبدالکریم، الإنسان الكامل، محقق ابو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عویضة، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق، ص ۱۲۷.

۱۲. همو، الأسفار عن رسالة الأنوار فیما تجلی لأهل الذکر من الأنوار، ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق، ص ۱۵۰.

۱۳. همو، المناظر الإلهیة، محقق عاصم ابراهیم کیالی الحسینی الشاذلی الدرقاوی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۲۰۰۴ م، ص ۶۴.

۱۴. همان، ص ۱۳۵.

انسان‌های اهل کمال خلفاء حق هستند.^۲ شاه نعمت الله ولی در شعری در مدح امام علی یا پیامبر گوید خليفة الله.^۳ هم‌چنین گفت آدم، انسان کامل، قطب و امام خليفة الله هستند^۴ و خليفة الله علم به حروف دارد.^۵ وی دو رساله به نام نصیحتنامه خليفة الله فی أرضه و رساله خلیفه حق دارد.^۶ جای دیگر گفت آدم و داود خلیفه حق هستند^۷ و روح محمدی آدم حقیقی و خلیفه حق است.^۸ باز بیان کرد که وجود کامل، سید عالم و خلیفه حق است.^۹ وی گفت «الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ» همان خلفای حق‌اند.^{۱۰} شاه داعی شیرازی گفت عارف «خليفة مطلق حق» است.^{۱۱} در کتاب شرح گلشن راز ابن ترکه گفت: محمد خلیفه و حبیب خداست.^{۱۲} شمس‌الدین فناری گوید آدم و انسان کامل خليفة الله هستند.^{۱۳} مهائمی معتقد است تعدد خلفاء با خليفة رسول الله بودن جایز است و با خليفة الله بودن جایز نیست.^{۱۴}

۱. همو، *الإنسان الكامل*، ص ۲۶۷.

۲. جلیلی، عبدالکریم، *نسیم السحر (مراتب الوجود و حقیقه کل موجود)*، محقق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق، ص ۷۱.

۳. شاه نعمت الله، ولی، *دیوان کامل*، محقق عباس خیاط زاده، کرمان، انتشارات خانقاه نعمت الهی، ۱۳۸۰ش، ص ۱۱۴۸.

۴. همو، *مکتوبات*، مجموعه ۱۰۸ رساله، مقابله و جمع آوری نسخ به کوشش محمد رسا، صص ۷۸۲، ۹۳ و ۲۸۴، ۱۱۸۸۶۹.

۵. همان، ص ۷۶۸.

۶. همان، صص ۹۲۴ و ۸۲۴.

۷. همان، صص ۶۱۰ و ۶۲۹.

۸. همان، ص ۳۳.

۹. همان، ص ۷۸۲.

۱۰. همان، ص ۷۶۸.

۱۱. شاه داعی شیرازی، *نسایم گلشن*، محقق پرویز عباسی داکانی، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۷ش، ص ۱۶۴.

۱۲. ابن ترکه، صائن الدین، *شرح گلشن راز (ابن ترکه)*، محقق کاظم دزفولیان، تهران، نشر آفرینش، ۱۳۷۵ش، ص ۵۳.

۱۳. فناری، حمزه، *مصباح الأنس بین المعقول و المشهود*، محقق عاصم ابراهیم الکیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۱۰م، صص ۴۸۵ و ۳۱۱.

۱۴. مهائمی، علاء‌الدین، *خصوص النعم فی شرح فصوص الحکم*، محقق احمد فرید المزیدی، بیروت، دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق، ص ۴۹۴.

جامی گوید انسان کامل خلیفة الله است^۱ و حقیقت محمدیه انسان کامل و خلیفة الله است^۲ و گفت هر رسولی که با شمشیر فرستاده شد پس او خلیفه‌ای از خلفای حق است و او از اولی العزم است، پس موسی و هارون از خلفای حق هستند.^۳ کاشفی سبزواری گوید داود خلیفة الله است^۴ و داود خلیفه حق است^۵ و هم‌چنین حضرت رسول(ص) خلیفة الله بود.^۶ خوارزمی بیان نمود که بعد از وفات پیامبر کسانی از امتش خلفاء الله هستند^۷ و «انسان کامل» خلیفه حقیقی حق است.^۸ عبدالقادر شاذلی می‌گوید حضرت محمد(ص) خلیفة الله است^۹ و هم‌چنین عمر خلیفه دوم خلیفة الله است.^{۱۰} نخجوانی آدم، شعیب، موسی، محمد(ص)^{۱۱} و رسول را خلیفة الله ذکر کرد.^{۱۲} هم‌چنین خلفاء الله کسانی هستند که دارای اوصاف، اسماء و اخلاق الهی هستند.^{۱۳} اسیری لاهیجی گوید بایزید خلیفه حق بود^۱ و

۱. جامی، عبدالرحمن، *نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص*، جلال‌الدین آشتیانی، تهران، چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰ش، ص ۹۷.
۲. همو، *الدرة الفاخرة فی تحقیق مذهب الصوفیة، نیکولاهیر و علی موسوی بهبهانی*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۵۸ش، ص ۱۲۰.
۳. همو، *نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص*، صص ۲۶۴ و ۲۶۵؛ *شرح فصوص الحکم*، ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق، ص ۴۶۰.
۴. کاشفی سبزواری، حسین، *مواهب علیه (تفسیر حسینی)*، محقق سیدمحمد رضا جلالی نائین، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۶۹ش، ص ۷۱۸.
۵. همان، ص ۱۰۱۷.
۶. همان، ص ۱۹۴.
۷. خوارزمی، تاج‌الدین، *شرح فصوص الحکم*، محقق علامه حسن زاده آملی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۷۹ش، ص ۸۱۱.
۸. خوارزمی، *شرح فصوص الحکم*، صص ۳۰۶ و ۳۰۷.
۹. شاذلی، عبدالقادر، *الکواکب الزاهرة*، محقق احمد عبد الرحیم السایح و توفیق علی وهبة، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۳۱ق، ص ۱۰۹.
۱۰. همان، ص ۱۱۸.
۱۱. نخجوانی، *نعمة الله، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة*، مصر، دار رکابی للنشر، ۱۹۹۹م، ج ۱، صص ۲۴، ۲۷، ۵۱۳.
۱۲. همان، ج ۱، ص ۱۷۲.
۱۳. همان، ج ۱، ص ۱۱۵.

سالک کامل خليفة الله في العالم می‌شود.^۲ انصاری بیان نمود مرتبه انسان کامل مرتبه عمائیه نامیده می‌شود و او خليفة الله می‌گردد^۳ و علماء ورثة الأنبياء و خلفاء الله هستند.^۴ شعرانی گفت انسان محور هستی و خليفة الله في الأرض است^۵ و در مورد آدم گفت: «خليفة الله».^۶ بنت النفیس بغدادیه گفت عارف خليفة الله است.^۷ در این دو قرن کاربرد این عبارات کاملاً نهادینه شده است و به ویژه در آثار عبدالرزاق کاشانی، قیصری، سید حیدر آملی و شاه نعمت الله ولی، بسیار به چشم می‌خورد؛ اما در همین دوره در آثار نورالدین اسفراینی، شیخ محمود شبستری، عزالدین کاشانی، علاءالدوله سمنانی، خواجوی کرمانی، وفا کبیر، مسعود شیرازی (بابا رکن)، حافظ شیرازی، سجزی دهلوی، عمر مصری (ابن الملقن)، شمس الدین مغربی، خواجه محمد پارسا، محمد شاذلی، زروق فاسی، محمد تبادکانی، فراهی هروی (ملا مسکین)، جمالی دهلوی، خلاصة المفاحر یافعی، مدارج السالکین ابن قیم الجوزی، تعریفات جرجانی، تمهید القواعد ابن ترکه و نفحات الأنس جامی هیچ کدام از عبارات فوق به کار نرفته است که جای تأمل و دقت است.

قرن دهم و یازدهم: سرهندی درباره امام مهدی^۸ و سلطان عبدالحمید ثانی بیان کرد

۱. اسیری لاهیجی، محمد، *أسرار الشهود في معرفة الحق المعبود*، بر اساس نسخه خطی ۸۶۹۴۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی، ص ۶۳.
۲. همو، *مفاتیح الإعجاز في شرح گلشن راز*، محقق میرزا محمد ملک الکتاب، بمبئی، ۱۳۱۲ش، ص ۹۶.
۳. انصاری، زکریا، *نتائج الأفكار القدسية في بيان معاني شرح الرسالة القشيرية*، عبدالوارث محمدعلی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق، ج ۱، ص ۱۱.
۴. همان، ج ۴، ص ۱۸۴.
۵. شعرانی، عبدالوهاب، *ردع الفقرا عن دعوى الولاية الكبرى*، محقق عبد الباری محمد داود، قاهرة، دارجوامع الكلم، ۱۴۲۵ق، صص ۲۰۰ و ۲۱۷؛ *اليواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الاکابر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، مؤسسه التاريخ العربی، ۱۴۱۸ق، ص ۳۳۳.
۶. همان، ص ۴۱۴.
۷. ست العجم بنت النفیس البغدادیة، *شرح مشاهد الأسرار القدسیة و مطالع الأنوار الإلهیة*، احمد مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۶ م، ص ۲۰۹.
۸. سرهندی، احمد، *المکتوبات*، محقق عبد الله احم الحنفی المصری و علی رضا قشلی، قاهرة، مکتبة النبیل، ج ۱، ص ۴۴۴.

خليفة الله^۱. حسینی کیلانی گفت انسان کامل خليفة الله است.^۲ صدرالمتألهين نوشت که صورت انسان بشری خليفة الله في أرضه است و معنای روحش خليفة الله در ملکوت آسمان است^۳ و انسان کامل، محمد(ص)، روح محمدی و حقیقت محمدیه خليفة الله هستند.^۴ هم‌چنین نور محمدی که انسان کامل جامع است، خليفة الله مطلق است.^۵ وی حدیث منسوب به پیامبر در باب امر به معروف را نقل کرده است که اصطلاح «خليفة الله» در آن ذکر شده است.^۶ بالی زاده حنفی گفت سلطان می‌تواند خليفة الله گردد.^۷ ملا محسن فیض کاشانی کلام امام علی خطاب به کمیل را تکرار نمود.^۸ هم‌چنین گفت انسان کامل^۹، امام الناس، قطب العالم^{۱۰} و امام عادل خليفة الله هستند^{۱۱} و فقط خليفة الله تواند میان مردم حکم کند و آن منحصر است در نبی و وصی.^{۱۲} هم‌چنین گفت قائم صاحب الزمان خليفة الله

۱. همان، ج ۲، ص ۴۴۳.

۲. حسینی کیلانی، ناصر، حکم الفصوص و حکم الفتوحات المسمى مجمع البحرين فی شرح الفصين، احمدزیدی، قاهره، دارالآفاق العربية، ص ۳۳۸.

۳. صدرالمتألهين، مفاتيح الغيب، محقق محمدخواجهی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش، ص ۵۱۹.

۴. همان، صص ۱۹ و ۳۲ و ۷۰۶ و ۴۵۰ و ۴۵۱.

۵. همان، صص ۷۶۶ و ۷۶۷.

۶. همان، ص ۱۲۵.

۷. مصطفی، بالی زاده، شرح فصوص الحکم، محقق الشيخ فادی أسعد نصيف، بيروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق، ص ۲۸۱.

۸. فیض کاشانی، ملامحسن، ده رساله، محقق رسول جعفریان، اصفهان، کتابخانه امیرالمؤمنین، ۱۳۷۱ش، ص ۵۱؛ مجموعه رسائل، محقق محمد امامی کاشانی و بهراد جعفری، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری، ۱۳۸۷ش، ج ۱، ص ۱۷ و ج ۳، ص ۹۶؛ المحججه البيضاء فی تهذيب الاحياء، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق، ج ۱، ص ۶۵ و ج ۸، ص ۸۰؛ الحقائق فی محاسن الاخلاق، محقق محسن عقیلی، قم، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۲۳ق، صص ۱۷ و ۱۸۵ و ۴۲۹.

۹. همو، مجموعه رسائل فیض، ج ۳، ص ۴۴ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۸؛ ج ۴، ص ۱۵۹؛ الحقائق فی محاسن الاخلاق، ص ۳۴۶.

۱۰. فیض کاشانی، مجموعه رسائل فیض، ج ۳، ص ۱۲۰.

۱۱. همان، ج ۳، ص ۱۲۴.

۱۲. همان، ج ۳، ص ۷۸.

است^۱ و ائمه خلفاء الله فی أرضه هستند.^۲ او اصطلاح نایب رحمان، خلیفه حق را نیز به برد.^۳ ابراز نمود که انسان الهی خلیفه خداست.^۴ عبد الله قطب فقط یک بار اظهار نمود که آدم خلیفه الله است.^۵ در قرن یازدهم و دوازدهم هم کاربرد این اصطلاح رایج است؛ ولی نکته حائز اهمیت این است که در آثار احمد نقشبندی، مناوی و عبدالرزاق لاهیجی از کاربرد این عبارات پرهیز شده است.

نتیجه

پژوهش فوق نشان می‌دهد که در آثار متقدم قرن دوم، سوم و چهارم، کاربرد این اصطلاح بسیار نایب و نادر است، مانند آثار حارث محاسبی که در تمام آثار خود تنها یک بار این اصطلاح را به کار برده است. در آثار قدیمی جواهر التصوف معاذ رازی، تفسیر تستری و رسائل و السرفی انفاس الصوفیه جنید بغدادی نیز این عبارات ذکر نشده است. در تمام آثار حکیم ترمذی فقط دوبار این اصطلاح ذکر شده است و در دیوان منصور حلاج فقط یک بار اصطلاح «خلیفه حق» ذکر شده است، ولی در کتاب اخبار الحلاج او مناجیات الحلاج این عبارات به کار نرفته است. در کتاب‌های المواقف و الاعمال الصوفیه نَفَری، اللمع فی التصوف سراج، التعرف لمذهب التصوف کلاباذی، الانوار فی علم الاسرار و مقامات الابرار بکری هیچ کدام از این اصطلاحات به کار نرفته است و در کتاب قوت القلوب ابوطالب مکی فقط یک بار آمده است؛ اما در کتاب علم القلوب وی نیز هیچ ذکر نیامده است. در کتاب‌های تهذیب الاسرار فی اصول التصوف خرکوشی و در تسعه کتب فی اصول التصوف و الزهد، طبقات الصوفیه و مجموعه آثار سلمی نیز این عبارات ذکر نشده است. فقط یک بار در دعای نقل شده از ابوالحسن شاذلی آمده است. ابونعیم اصفهانی فقط چند بار آن را تکرار کرده است. در کتاب‌های شرح التعرف لمذهب التصوف مستملی بخاری، الالف

۱. فیض کاشانی، المحججه البيضاء فی تهذیب الأحياء، ج ۱، ص ۲۴۴.

۲. همان، ج ۴، صص ۱۸۴ و ۳۱۵.

۳. همو، دیوان، محقق مصطفی فیض کاشانی، قم، انتشارات اسوه، ۱۳۸۱ش، ج ۱، ص ۲۵۲.

۴. همو، منتخب مکاتیب عبد الله قطب، محقق مجید حسین زاده حجازی، تهران، مدرسه عالی شهید مطهری،

۱۳۸۷ش، ص ۱۲۹.

۵. قطب، عبدالله، مکاتیب عبدالله قطب، قم، انتشارات قائم آل محمد، ۱۳۸۴ش، ص ۳۴۰.

المالوف علی اللام المعطوف و سیرت شیخ کبیر دیلمی و کشف المحجوب هجویری نیز هیچ کدام از این عبارات نیامده است. قشیری فقط یک بار آن را بیان نمود؛ اما در کتاب‌های رساله قشیری، شرح أسماء الله الحسنی، معراج، نحو القلوب و اربع رسائل فی التصوف وی و همچنین در کتاب‌های منازل السائرین، طبقات الصوفیه و مناجات نامه خواجه عبد الله انصاری و ارشاد در معرفت و وعظ و اخلاق قلانسی نیز هیچ کدام از این عبارات ذکر نشده است. از قرن پنجم به بعد زمان اوج گرفتن کاربرد این اصطلاح و هم خانواده‌های آن در آثار عرفانی است؛ مخصوصاً در آثار روزبهان بقلی، ابن عربی، عبدالرزاق کاشانی، سید حیدر آملی، شاه نعمت الله ولی و ملامحسن فیض کاشانی. اما در همین قرون مخالفان کاربرد این عبارت دیده می‌شوند. میبیدی به صراحت از اکراه و خودداری علماء در کاربرد این اصطلاح در زمان خود سخن می‌گوید و شاید در بسیاری از آثار متقدم و متأخر عرفانی که این اصطلاح به کار نرفته است، احتمالاً به علت همین اکراه بوده است، هم‌چنین گاهی برخی از نویسندگان از کاربرد مستقیم اصطلاح «خلیفة الله» اجتناب کرده‌اند و به جای واژه «الله» از ضمیری چسبان به واژه «خلیفة» استفاده نموده‌اند. علاوه بر این، مصادیق این اصطلاح در قرون دوم و سوم فقط آدم و صالحین و قرن چهارم و پنجم آدم، داود، سلیمان، ابوبکر، محبب و آمران به معروف بوده است؛ اما در قرون ششم و هفتم بسیار متنوع و متعدد می‌گردد، و علاوه بر موارد فوق، مصادیقی چون: رسول، محمد(ص)، عیسی، مهدی، اویس قرنی، منصور عباسی، خلیفه عباسی، امام امت، انسان کامل، حکیم الهی، عقل اول، صدیقان، صابرین، غوث، پیر، ابدال، قطب، اولیاء، روح، عقل انسان، نفس و نوع انسان افزوده شد. در قرون هشتم و نهم نیز موارد: موسی، هارون، شعیب، خضر، عمر، علی، یزید بن عبدالملک، بایزید، حسام الدین چلبی، انبیاء، معصومین، علماء، سلطان مسلمین، مؤمن، روح کلی، روح جزئی، حقیقت محمدی، روح اعظم، حرف «باء» و یاری‌رسان مظلوم. در قرون دهم و یازدهم نیز مصادیق امام عادل و عبدالحمید ثانی افزوده شدند. این پژوهش نشان می‌دهد که تحت تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی قرون گذشته، به مرور این اصطلاح وارد ادبیات عرفانی شده و سپس به مرحله رواج آن رسیده و در نهایت نهادینه و مسلّم شده است.

منابع

- ابن ترکه، صائین الدین، تمهید القواعد، محقق سید جلال‌الدین آشتیانی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۰ش.
- همو، شرح گلشن راز، محقق کاظم دزفولیان، تهران، نشر آفرینش، ۱۳۷۵ش.
- ابن سبعین، عبدالحق، رسائل، محقق فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
- ابن عربی، محیی الدین، الفتوحات المکیة (اربع مجلدات)، بیروت، دارالصادر.
- همو، ترجمان‌الاشواق، محقق رینولد نیکلسون، تهران، روزنه، ۱۳۷۸ش.
- همو، تفسیر (تأویلات عبدالرزاق)، محقق سمیر رباب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- همو، دیوان، محقق حسن بسج، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.
- همو، ذخائر الاعلاق شرح ترجمان‌الاشواق، محقق خلیل منصور، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق.
- همو، فصوص‌الحکم، قاهره، داراحیاء الکتب العربیة، ۱۹۴۶م.
- همو، مجموعه رسائل ابن عربی (مجلدان)، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۳۶۷ق.
- همو، مجموعه رسائل ابن عربی (ثلاث مجلدات)، بیروت، دارالمحجة البيضاء، ۱۴۲۱ق.
- همو، محاضرة الأبرار و مسامرة الأخیار، محقق محمد نمری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۲ق.
- ابن فارض، عمر، دیوان، محقق محمد ناصرالدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۰ق.
- ابن قیم الجوزیه، محمد، مدارج السالکین، محقق محمد فاسی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
- ابوروح، لطف‌الله، حالات و سخنان ابوسعید ابوالخیر، الیاس میرزابوراغانسکی، سن پترزبورگ، ۱۸۹۹م.
- اسفرائینی، نورالدین، کاشف‌الأسرار، محقق هرمان لندلت، تهران، موسسه مطالعات اسلامی دانشگاه مکیل، ۱۳۵۸ش.
- اسیری لاهیجی، محمد، مفاتیح الإعجاز فی شرح گلشن راز، محقق محمد ملک‌الکتاب، بمبئی، ۱۳۱۲ش.
- همو، أسرار الشهود فی معرفه الحق المعبود، بی‌نا، بی‌جا، براساس نسخه خطی ۸۶۹۴۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- اصفهانی، ابونعیم، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، محقق محمدرضا شفیعی کدکنی، قاهره، دارام القراء للطباعة و النشر.
- أطعانی بسطامی، روضه الحیور و معدن السرور فی مناقب الجنید البغدادی و ابی‌یزید طیفور، فریدمزیدی، قاهره، دارة الکرز للنشر و التوزیع.
- افلاکی، احمد، مناقب العارفين، بی‌نا، آنکارا، ۱۹۵۹م.
- انصاری اسیدی، عبدالرحمن، مشارق أنوار القلوب و مفتاح أسرار الغیوب، محقق عاصم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة.
- انصاری، عبدالله، طبقات الصوفیة، [بی‌نا] [بی‌جا] نوبت چاپ اول.
- همو، مناجات‌نامه، محقق محمد حماصیان، خدمات فرهنگی کرمان، ۱۳۸۲ش.
- همو، منازل السائرین، محقق علی شیروانی، تهران، دارالعلم، ۱۴۱۷ق.

- انصاری، زکریا، نتائج الأفكار القدسية في بيان معاني شرح الرسالة القشيرية، محقق عبدالوارث محمد، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۸ق.
- آملی، سیدحیدر، المقدمات من کتاب نص النصوص، تهران، قسمت ایرانشناسی انستیتو ایران و فرانسه پژوهشهای علمی در ایران، ۱۳۵۲ش.
- همو، أنوار الحقيقة و أطوار الطريقة و أسرار الشريعة، محقق سیدمحسن موسوی، قم، نورعلی نور، ۱۳۸۲ش.
- همو، تفسیر المحيط الأعظم، محقق سیدمحسن موسوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۴۲۲ق.
- همو، جامع الأسرار و منبع الأنوار، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی وابسته به وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸ش.
- همو، نقد التمود فی معرفه الوجود (جامع الأسرار)، هانری کرین، انتشارات علمی و فرهنگی وزارت فرهنگ و آموزش عالی، ۱۳۶۸ش.
- باخرزی، یحیی، أورداد الأحباب و فصوص الآداب، محقق ایرج افشار، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- بالی زاده حنفی، مصطفی، شرح فصوص الحکم، محقق فادی نصیف، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۲ق.
- بدلیسی، عمار، بهجة الطایفة، محقق ادوارد بدین، بیروت، دارالنشر فرانز شتاينر، ۱۹۹۹م.
- بقلی شیرازی، روزبهان، المصباح فی مکاشفه بعث الأرواح، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۸ق.
- همو، تفسیر عرائس البیان فی حقائق القرآن، محقق فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۲۰۰۸م.
- همو، تقسیم الخواطر، محقق فرید مزیدی، قاهره، دارالآفاق العربية، ۱۴۲۸ق.
- همو، رساله القدس، محقق جواد نوربخش، تهران، یلداقلم، ۱۳۸۱ش.
- همو، شرح شطحیات، محقق هانری کرین، تهران، طهوری، ۱۳۷۴ش.
- همو، عبهر العاشقین، محقق هانری کرین / محمد معین، تهران، منوچهری، ۱۳۶۶ش.
- همو، مشرب الأرواح، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
- بکری، ابوالقاسم، الأنوار فی علم الاسرار و مقامات الأبرار، محقق فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
- بونی، احمد، شمس المعارف الكبرى، بیروت، موسسه النور للمطبوعات، ۱۴۲۷ق.
- پلاسی شیرازی، حسن، رسالتان فی الحکمة المتعالیة و الفكر الروحي، محقق صالح عظیمه، پاریس، ۱۹۸۶م.
- تادلی (ابن زیات)، یوسف، التشوف الی رجال التصوف، محقق علی عمر، قاهره، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۷ق.
- تبادکانی، محمد، تسنیم المقربین، محقق محمد طباطبائی بهبهانی، کتابخانه موزه و اسناد مجلس شورای اسلامی ایران، ۱۳۸۲ش.
- تبریزی مغربی، محمد، دیوان کامل، محقق ابوطالب میر عابدینی، تهران، زوار، ۱۳۵۸ش.

- تستری، سهل، تفسیر، محقق محمدسود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۳ق.
- تلمسانی، سلیمان، شرح منازل السائرین، محقق عبدالحفیظ منصور، قم، بیدار، ۱۳۷۱ش.
- همو، شرح مواقف النفری، محقق عاصم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
- جام، احمد، کنوز الحکمة، محقق علی فاضل، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۷ش.
- جامی، عبدالرحمن، نفحات الأنس، محقق ولیام ناسولیس/غلام‌عیسی/عبدالحمید، کلکته، مطبعة لیس، ۱۸۵۸م.
- همو، الدررة الفاخرة فی تحقیق مذهب الصوفیة، محقق نیکو لاهیر/علی موسوی، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی، ۱۳۵۸ش.
- همو، شرح فصوص الحکم، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۵ق.
- همو، نقد النصوص فی شرح نقش الفصوص، محقق سید جلال‌الدین آشتیانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۰ش.
- جرجانی، شریف، کتاب التعریفات، تهران، ناصرخسرو، ۱۳۷۰ش.
- جمالی دهلوی، مرآت المعانی، محقق نصرالله پورجوادی، تهران، انتشارات حقیقت، ۱۳۸۴ش.
- جندی، مؤیدالدین، شرح فصوص الحکم، محقق سیدجلال‌الدین آشتیانی، قم، بوستان کتاب، ۱۴۲۳ق.
- جیلی، عبدالکریم، الأسفار عن رساله الأنوار فیما یتجلی لأهل الذکر من الأنوار، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
- همو، الإنسان الكامل، محقق ابو عبدالرحمن عویضة، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
- همو، المناظر الالهیة، ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۴م.
- همو، مراتب الوجود و حقیقه کل موجود (الکھف و الرقیم)، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
- حافظ شیرازی، محمد، دیوان، به اهتمام محمدقزوینی/قاسم غنی، تهران، زوار، ۱۳۸۵ش.
- حسین بن نصر (ابن خمیس موصلی)، مناقب الأبرار و محاسن الأخیار فی طبقات الصوفیة، سعید عبدالفتاح، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
- حسینی کیلانی، ناصر، حکم الفصوص و حکم الفتوحات المسمی مجمع البحرین فی شرح الفصین، فرید مزیدی، قاهره، دارالآفاق العربیة.
- حکیم ترمذی، ادب النفس، محقق احمد سایح، قاهره، دارالمصریة اللبنانیة، ۱۴۱۳ق.
- همو، ختم الاولیاء، محقق عثمان یحیی، بیروت، مهد الآداب الشرقیة، ۱۴۲۲ق.
- همو، ریاضة النفس، محقق ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۶ق.
- همو، غور الامور، محقق احمد سایح/احمد عوض، قاهره، مكتبة الثقافة الدینیة، ۱۴۲۲ق.
- همو، کیفیة السلوک الی رب العالمین، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
- حلاج، حسین، دیوان، بمبئی، چاپخانه علوی، ۱۳۰۵ق.
- همو، دیوان، محقق محمدسود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۲۰۰۲م.

- همو، اخبار الحلاج أو مناجیات الحلاج، محقق لويس ماسينيون، دمشق، التكوين، ۲۰۰۶م.
- خركوشى، ابوسعده، تهذيب الاسرار فى أصول التصوف، محقق امام سيد محمد على، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۷ق.
- خواجهى كرماني، محمود، ديوان غزليات، محقق حميد مظهرى، تهران، انتشارات خدمات فرهنگى كرمان، ۱۳۷۸ش.
- خواجه محمد پارسا، قدسيه، محقق احمد طاهرى عراقى، تهران، طهورى، ۱۳۵۴ش.
- خوارزمى، تاج الدين، شرح فصوص الحكم، محقق حسن زاده املى، قم، بوستان كتاب، ۱۳۷۹ش.
- درينى، عبدالعزيز، طهارة القلوب و الخضوع لعلام الغيوب، محقق ابراهيم كيالى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- دسوقى، ابراهيم، الجوهره المضية فى سلوك الطالب و نصح البرية، محقق ابراهيم كيالى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۸ق.
- ديلمى، ابوالحسن، الالف المألوف على اللام المعطوف، محقق ج.ك.فاديه، قاهرة، مطبعة المعهد العلمى الفرنسى للآثار الشرقيه، ۱۹۶۲م.
- ديلمى، ابوالحسن، سيرت شيخ كبير ابو عبدالله ابن خفيف شيرازى، تصحيح شيملى و طارى، انتشارات بابك، ۱۳۶۳ش.
- ديلمى، محمد، شرح الأنفاس الروحانية لأئمة السلف الصوفية، محقق محمدسيلى، قاهرة، دارالآثار الاسلاميه، ۱۴۲۸ق.
- رازى، ابوبكر، حقائق الحقائق، محقق سعيد عبدالفتاح، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۲ق.
- رازى (دايه)، نجم الدين، مرصادالعباد، بى نا، تهران، ۱۳۲۲ق.
- همو، منارات السائرين إلى حضرة الله و مقامات الطائرين، محقق ابراهيم كيالى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۵ق.
- رفاعى، احمد، حالة أهل الحقيقة مع الله تعالى، محقق فريد مزيدى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۵ق.
- روزبهان ثانى، ابراهيم، تحفه أهل العرفان، محقق جواد نوربخش، تهران، يلدا قلم، ۱۳۸۲ش.
- زروق فاسى، احمد، قواعد التصوف، محقق عبدالمجيد الخيالى، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
- زيدطوسى، تاج الدين، قصه يوسف (الستين الجامع للطائف البساطين)، محقق محمد روشن، انتشارات علمى فرهنگى، ۱۳۸۲ش.
- سبهسالار، فريدون، زندگينامه مولانا جلال الدين مولوى، محقق سعيد نفيسى، تهران، اقبال، ۱۳۷۸ش.
- ست العجم بنت النفيس البغداديه، شرح مشاهد الأسرار القدسية و مطالع الأنوار الإلهية، محقق فريد مزيدى، بيروت، دارالكتب العلميه، ۲۰۰۶م.
- سجزى دهلوى، امير، رساله مخ المعانى، محقق آذرميدخت صفوى، عليگر، انستيتوى تحقيقات فارسى، ۲۰۰۷م.
- سراج، ابونصر، اللمع فى التصوف، محقق رينولدنيكلسون، ليدن، مطبعة بريل، ۱۹۱۴م.

- سرهندي، احمد؛ منزلی، محمد؛ المکتوبات (سرهندي)، محقق عبدالله حنفي مصري/علي رضا قشلي، قاهرة، مكتبة النيل.
- سکندري، احمد، اللطائف الإلهية في شرح مختارات من الحكم العطائية، محقق ابراهيم كيالي، بيروت، دار الكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- سلطان ولد، بهاء الدين، انتهائمه، محقق محمد خزانه دارلو، تهران، روزنه، ۱۳۷۶ش.
- سلمی، ابو عبدالرحمن، المقامه في التصوف، محقق ابراهيم كيالي، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۶ق.
- همو، تسعة كتب في اصول التصوف و الزهد، محقق سليمان آتش، الناشر للطباعة و النشر و التوزيع و الاعلان، ۱۴۱۴ق.
- همو، طبقات الصوفية (سلمی)، محقق مصطفى عطا، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۴ق.
- همو، مجموعه آثار سلمی، تهران، مركز نشر دانشگاهی، ۱۳۶۹ش.
- سمعانی، احمد، روح الأرواح في شرح أسماء الملك الفتحاح، محقق نجيب مايل هروی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگي، ۱۳۸۴ش.
- سمناني، علاء الدوله، خمخانه وحدت، محقق عبدالرفيع حقيقت، تهران، انتشارات كوش، ۱۳۸۵ش.
- همو، مصنفات فارسی، محقق نجيب مايل هروی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگي، ۱۳۸۳ش.
- سنایی، ابوالمجد، مکتاتب، هند، انتشارات دانشگاه عليگره، ۱۹۶۲م.
- همو، حديقه الحقيقه و شريعه الطريقه، محقق دکتر مدرس رضوي، دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ش.
- سهروردي، ابوحنفص، عوارف المعارف، محقق احمد عبدالرحيم السايح/توفيق وهبة، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۷ق.
- سهروردي، شهاب الدين، رسائل شيخ اشراق، هانزي كرين/احسين نصر/نجفقلبي حبيبي، تهران، موسسه مطالعات و تحقيقات فرهنگي، ۱۳۷۵ش.
- شاذلي، عبدالقادر، الكواكب الزاهرة، محقق احمدسايح/توفيق وهبة، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۳۱ق.
- شاذلي (ابن زغدان)، محمد، قوانين حكم الاشراق إلى كافة الصوفية بجميع الافاق، محقق فريد مزیدی، بيروت، دارالكتب العلمية، ۱۴۲۸ق.
- شاورانی، مسعود، «مروری بر آموزه خليفة الله در اسلام»، پژوهشنامه ادیان، سال ۱۳، شماره ۲۵، ۱۳۹۸ش.
- شاه داعی شیرازی، نسایم گلشن، محقق پرویز عباسی، تهران، انتشارات الهام، ۱۳۷۷ش.
- شاه نعمت الله ولي، مکتوبات، مجموعه ۱۰۸ رساله، مقابله و جمع آوری نسخ به کوشش محمدرسا، نسخه دیجیتال.
- همو، دیوان، محقق عباس خیاطزاده، کرمان، انتشارات خانقاه نعمت اللهی، ۱۳۸۰ش.
- شبستری، محمود، حق الیقین فی معرفة رب العالمین، محقق جواد نوربخش، تهران، یلداقلم، ۱۳۸۲ش.
- شعرانی، عبدالوهاب، البواقیت و الجواهر فی بیان عقائد الأكابر، بيروت، داراحیاء التراث العربی، مؤسسة التاريخ العربی، ۱۴۱۸ق.

- همو، *ردع الفقرا عن دعوی الولاية الكبرى*، محقق عبدالباری داوود، قاهرة، دارجوامع الكلم، ۱۴۲۵ق.
- شیرازی (بابارکنا)، مسعود، *نصوص النصوص فی ترجمه الفصوص*، رجبعلی مظلومی، تهران، مطالعات اسلامی دانشگاه مک گیل، ۱۳۵۹ش.
- صدرالمآلهین، *مفاتیح الغیب*، محقق محمد خواجوی، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۶۳ش.
- عراقی، فخرالدین، *کلیات*، محقق سعید نفیسی، تهران، انتشارات سنائی، ۱۳۶۳ش.
- عطار، فریدالدین، *اسرارنامه*، بی نا، تهران، ۱۲۹۸ش.
- همو، *الهی نامه*، تهران، کتابفروشی اسلامی، ۱۳۵۵ق.
- همو، *لبلب نامه*، مطبعه محمد مهدی قاضی سعیدی، بی جا، ۱۳۱۲ش.
- همو، *بی سرنامه*، تهران، مطبعه علمی، ۱۳۱۲ش.
- همو، *تذکره الأولیاء*، محقق رینولد نیکلسون، مطبعه لیدن، ۱۹۰۵م.
- همو، *دیوان عطار*، محقق تصحیح تقی تفضلی، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- همو، *لسان الغیب*، محقق حسین حیدرخانی مشتاقعلی، تهران، انتشارات سنائی، ۱۳۷۶ش.
- همو، *مصیبت نامه*، کتابخانه مرکزی، تهران، ۱۳۵۴ق.
- همو، *مظهر العجائب و مظهر الاسرار*، بی نا، تهران، ۱۳۲۳ش.
- همو، *منطق الطیر*، تهران، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۳ش.
- همو، *نزهة الأحياء*، بی نا، بی جا، ۱۳۱۲ش.
- عین القضاة همدانی، *تمهیدات*، محقق عقیف عسیران، دانشگاه تهران، ۱۳۴۱ش.
- همو، *شرح کلمات باباطاهر العریان*، محقق ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۰۷م.
- همو، *شکوی الغریب عن الأوطان إلى علماء البلدان*، محقق عقیف عسیران، پاریس، داربیبلیون، ۱۹۶۲م.
- غزالی، ابو حامد، *احیاء علوم الدین*، محقق عبدالرحیم حافظ عراقی، بیروت، دارالکتب العربی.
- همو، *مکاشفة القلوب المقرب إلى علام الغیوب*، محقق عبدالمجید طعمه حلبی، بیروت، دارالمعرفة، ۱۴۲۲ق.
- غزالی، احمد، *مکاتبات خواجه احمد غزالی با عین القضاة همدانی*، محقق نصرالله پورجوادی، تهران، خانقاه نعمت اللهی، ۱۳۵۶ش.
- غزنوی، محمد، *مقامات ژنده پیل*، محقق حشمت مؤید، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- فراهی هروی (ملا مسکین)، *معین الدین*، تفسیر *حلائق الحقائق*، محقق سیدجعفر سجادی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ش.
- فرغانی، سعیدالدین، *مشارق الدراری شرح تائیه ابن فارض*، محقق سیدجلال الدین آشتیانی، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۹ش.
- فرغانی، سعیدالدین، *منتهی المدارک فی شرح تائیه ابن فارض*، محقق عاصم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۸ق.

- فناری، محمد حمزه، مصباح الأنس بين المعقول و المشهود، محقق عاصم کيالی، بيروت، دارالکتب العلميه، ۲۰۱۰م.
- فيض کاشانی، ملامحسن، الحقائق في محاسن الاخلاق، محقق محسن عقيلي، قم، دارالکتب الاسلامي، ۱۴۲۳ق.
- همو، المحجة البيضاء في تهذيب الاحياء، محقق علی اکبر غفاری، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- همو، ده رساله، محقق رسول جعفریان، اصفهان، کتابخانه اميرالمومنين، ۱۳۷۱ش.
- همو، ديوان، محقق مصطفی فيض کاشانی، قم، اسوه، ۱۳۸۱ش.
- همو، مجموعه رسائل، محقق محمد امامی کاشانی/بهراد جعفری، مدرسه عالی شهيد مطهري، ۱۳۸۷ش.
- همو، منتخب مکاتيب عبدالله قطب، محقق مجيد حسين زاده، مدرسه عالی شهيد مطهري، ۱۳۸۷ش.
- قشيري، عبدالکريم، لطائف الإشارات، محقق ابراهيم بسيوني، مصر، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۱م.
- همو، اربع رسائل في التصوف، محقق قاسم سامرائی، بغداد، مطبعة المجمع العلمي العراقي، ۱۳۸۹ق.
- همو، الرسالة القشيرية، محقق عبدالحليم محمود/محمود بن شريف، قم، بيدار، ۱۳۷۴ش.
- همو، شرح أسماء الله الحسنى، محقق عبدالرؤف سعيد/سعد علي، قاهرة، دارالحرم للتراث، ۱۴۲۲ق.
- همو، كتاب المعراج، محقق لؤيس صليبا، بيروت، دارالمكتبة بيبليون، ۲۰۰۷م.
- همو، نحو القلوب (قشيري)، محقق احمد جندي، قاهرة، الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۲۰۰۸م.
- قطب، عبدالله، مكاتيب عبدالله قطب، قم، قائم آل محمد، ۱۳۸۴ش.
- فلانسی نسفی، عبدالله، ارشاد در معرفت و وعظ و اخلاق، محقق عارف نوشاهی، تهران، ميراث مکتوب، ۱۳۸۵ش.
- قونوی، صدرالدين، مفتاح الغيب (مصباح الأنس)، محقق عاصم کيالی، بيروت، دارالکتب العلميه، ۲۰۱۰م.
- همو، الفکرک، اين رساله براساس نسخه خطی ۷۲۷ کتابخانه يوسف آغا قونیه کار شده است.
- قيصری، داود، رسائل، محقق سيدجلال الدين آشتياني، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ايران، ۱۳۸۱ش.
- همو، شرح القيصري على تانية ابن الفارض الكبرى، محقق احمد مزیدی، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۲۵ق.
- همو، شرح فصوص الحکم، محقق سيدجلال الدين آشتياني، تهران، انتشارات علمی و فرهنگي، ۱۳۷۵ش.
- قيسرانی، محمد، صفوة التصوف، محقق ابوعلی نظيف، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۲۷ق.
- کاشانی، عبدالرزاق، شرح فصوص الحکم، قم، بيدار، ۱۳۷۰ش.
- همو، شرح منازل السائرين، محقق محسن بيدارفر، قم، بيدار، ۱۳۸۵ش.
- همو، كشف الوجوه الغرلمعاني نظم الدر، محقق فريد مزیدی، بيروت، دارالکتب العلميه، ۱۴۲۶ق.
- همو، لطائف الأعلام في إشارات أهل الإلهام، محقق احمد سايب/توفيق وهبة/عامر نجار، قاهرة، مكتبة

- الثقافة الدينية، ۱۴۲۶ق.
- همو، مجموعه رسائل و مصنفات، محقق مجید هادی زاده، تهران، میراث مکتوب، ۱۳۸۰ش.
 - کرمانی، اوحدالدین، دیوان رباعیات، محقق احمد ابومحبوب، تهران، سروش، ۱۳۶۶ش.
 - کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، تهران، نشرهما.
 - کاشفی سبزواری، حسین، مواهب علیه، محقق محمدجلالی نائین، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، ۱۳۶۹ش.
 - کلاباذی، ابوبکر، التعرف لمذهب التصوف، مصر، مطبعة السعادة، ۱۹۳۳م.
 - گروهی از نویسندگان، النور الأبهري في الدفاع عن الشيخ الأكبر، محقق فرید مزیدی، قاهرة، دارالذکر للنشر و التوزيع، ۱۴۲۷ق.
 - گروهی از نویسندگان، مجموعه رسائل عوارف المعارف، محقق علی نوری زاده، کتابخانه احمدی شیراز، ۱۳۶۳ش.
 - گیلانی، عبدالقادر، الفتح الرباني و الفيض الرحمانی، قاهرة، مكتبة الثقافة الدينية، ۱۴۲۶ق.
 - همو، سرالأسرار و مظهر الأنوار فيما يحتاج إليه الأبرار، محقق فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۴۲۸ق.
 - همو، فتوح الغیب، محقق محمد درویش، بیروت، دارالهادی، ۱۴۲۸ق.
 - همو، السفينة القادریة، محقق سالم بواب، بیروت، دارالالباب، ۱۴۱۲ق.
 - لاهیجی، عبدالرزاق، دیوان، محقق ابوالحسن پریشان زاده، تهران، انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۶۹ش.
 - مجهول ابن سودکین، شرح التجلیات الإلهیة، محقق محمدنمری، بیروت، دارالکتب العلمية، ۲۰۰۴م.
 - محاسبی، حارث، النصائح (الوصایا)، محقق احمدعطا، بیروت، دارالکتب العلمية، ۱۹۸۶م.
 - همو، الرعاية لحقوق الله، محقق عبد الرحمن عبد الحمید البر، مصر، دار الیقین، ۱۴۲۰ق.
 - همو، المسائل، محقق خلیل عمران المنصور، بیروت، دار الکتب العلمية، ۱۴۲۱ق.
 - همو، آداب النفوس، محقق عبدالقادر احمدعطا، بیروت، مؤسسة الکتب الثقافیة، ۱۴۲۸ق.
 - محقق ترمذی، برهان الدین، معارف، محقق بدیع الزمان فروزانفر، نشر دانشگاهی، ۱۳۷۷ش.
 - محمدبلخی، بهاء الدین، معارف (بهاء وولد)، محقق بدیع الزمان فروزانفر، تهران، طهوری، ۱۳۸۲ش.
 - محمدین منور، أسرار التوحید فی مقامات أبی سعید، محقق الیاس میرزابور آغانسکی، سن پترزبورگ، ۱۸۹۹م.
 - محمودبن عثمان، مفتاح الهدایة و مصباح العنایة، محقق منوچهر مظفریان، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۰ش.
 - مزالی، محمد، مصباح الظلام، محقق محمد علی شکر، بیروت، دارالکتب العلمية، ۲۰۰۴م.
 - مستملی بخاری، اسماعیل، شرح التعرف لمذهب التصوف، محقق محمد روشن، تهران، اساطیر، ۱۳۶۳ش.
 - مصری (ابن الملحق)، عمر، طبقات الأولیاء، محقق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمية،

- ۱۴۲۷ق.
- معاذزای، یحیی، جواهر التصوف، محقق هارون عاشور، قاهره، مكتبة الآداب، ۱۴۲۳ق.
 - مکی، ابوطالب، قوت القلوب فی معامله المحبوب، محقق باسل السود، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
 - همو، علم القلوب، محقق عبدالقادر احمد عطا، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۴ق.
 - مناوی، محمد، الکواکب الدرية فی تراجم السادة الصوفیة، محقق محمد الجادر، بیروت، دارالصادر، ۱۹۹۹م.
 - مولوی، جلال الدین، مثنوی معنوی، محقق توفیق سبحانی، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد، ۱۳۷۳ش.
 - مهانمی، علاء الدین، خصوص النعم فی شرح قصوص الحکم، محقق فرید مزیدی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
 - مبدی، ابوالفضل، كشف الأسرار و عدة الأبرار، محقق علی اصغر حکمت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۷۱ش.
 - نخجوانی، نعمة الله، الفواتح الإلهیة و المفاتيح الغیبیة، مصر، دارکابی للنشر، ۱۹۹۹م.
 - نسفی، عزیز الدین، الإنسان الكامل، محقق ماریژان موله، تهران، طهوری، ۱۳۸۶ش.
 - همو، بیان التنزیل، محقق علی میرباقری فرد، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۹ش.
 - همو، زیادة الحقائق، محقق حق وردی ناصری، تهران، طهوری، ۱۳۸۱ش.
 - همو، كشف الحقائق، محقق احمد مهدوی دامغانی، علمی و فرهنگی، ۱۳۸۶ش.
 - نقری، محمد، الاعمال الصوفیة، محقق سعید الغانمی، بغداد، منشورات الجمل، ۲۰۰۷م.
 - همو، کتاب المواقف، محقق یوحنا اربری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۷ق.
 - نقری، ابراهیم، غیث المواهب العلیة فی شرح الحکم العطانیة، محقق عبدالجلیل عبدالسلام، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۸ق.
 - نقشبندی، احمد، شرح الحکم الغوثیة، محقق فرید مزیدی، قاهره، دارالآفاق العربیة، ۱۴۲۸ق.
 - نمری (ششتری)، علی، دیوان، محقق العدلوننی و ابوالفیوض، بیروت، دارالثقافه، ۲۰۰۸م.
 - بغدادی، جنید، السرفی انفاص الصوفیة، محقق عبدالباری داود، قاهره، دارجوامع الكلم، ۱۴۲۶ق.
 - همو، رسائل، محقق جمال رجب، دمشق، داراقر اللطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۲۵ق.
 - وفالکبیر، محمد، کتاب الأزل، محقق عاصم ابراهیم کیالی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۷ق.
 - هجویری، ابوالحسن، كشف المحجوب، ابوالحسن علی هجویری، محقق ژوکوفسکی و والتین آلکسی، تهران، طهوری، ۱۳۷۵ش.
 - همدانی، علی، حل قصوص الحکم (شرح قصوص الحکم پارسا)، رساله براساس نسخه خطی ۲۷۹۴ کتابخانه شهید علی پاشا استانبول.
 - یافعی، عبدالله، خلاصة المفآخر فی مناقب الشیخ عبدالقادر، محقق فرید مزیدی، قاهره، دارالآثار الاسلامیة، ۱۴۲۸ق.

- همو، روض الریاحین فی حکایات الصالحین، قاهرة، مکتبه زهران، ۲۰۰۴م.
- Shavarani, Masoud, “Überprüfung der Lehre des Gottes Kalifen in Anbetracht des Umweltschutzes”, Spektrum Iran, 32, 2-2019, pp.143-167.